

وظیفهٔ علما و مشایخ در برابر دین چیست؟

و

کمترین زاویه از سیاست روز

دو موعظه صریح قلمی، اندیشمندانه و الهام بخش حضرت

الداعی الی الله مولانا محمد عطاء الله صاحب فیضانی

بسم الله الرحمن الرحیم

وظیفه علما و مشایخ در برابر دین چیست؟

و

کمترین زاویه از سیاست روز

دو موعظه قلمی، اندیشمندانه و الهام بخش حضرت
الداعی الی الله مولانا محمد عطاء الله صاحب فیضانی



شناسنامۀ کتاب

عنوان: وظیفۀ علما و مشایخ در برابر دین چیست؟ و کمترین زاویه از سیاست روز

مؤلف: الداعی الی اللّه مولانا محمد عطاءاللّه صاحب فیضانی

ناشر : کانون فرهنگی علامه فیضانی

صفحه آرا: عبدالمبین عابد

تاریخ نگارش : ۱۳۴۹ و ۱۳۵٤ هـ ش، محبس دهمزنگ کابل.

چاپ اول: ۲۸ قوس ۱۳۷۳، **چاپ دوم:** خزان ۱٤۰۱ هـ ش

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

فهرست

وظیفهٔ علما و مشایخ در برابر دین چیست؟

کمترین زاویه از سیاست روز

پیشگفتار

درد احساس ناگواری‌های جروحات بر جسم بیـدار اسـت. و دردمنـد، زنده بودن را ممثل است. مولانای دردمند پیکر ناب و خالص قـرآن زنـده است و تن شریف شان تن برومند اسلام.

چون طبیب حاذق معنوی جفای یار و اغیار با بر پیکر داغدار یک یک می شمارد و به وسعت و عظمت دید (افمن شرح اللّه صدره للاسلام فهـوا علی نور من ربه) در امتداد دوردسـت زمانـه‌ها بـه تجریـه و تحلیـل عوامـل حقیقی پرداخته سپس نسخه های شفا بخش قرآنی را تجویز می فرمایند.

دو نسخه تحت مطالعه حاظر (مقام و وظیفـۀ علمـا و مشـایخ و کمتـرین زاویه از سیاست روز) آئینه تمامی است از بینش عمیق عوامل نابسامانیها در جامعۀ افت زدۀ مسما به اسلام بالخاصه میهن ما که رول بنیادی و عظیمـی مربیان دینی یعنی علما و مشایخ دین و فاجعۀ از غفلت و سهل انگـاری آن بزرگواران و سردمداران جامعه بر حیات معنـوی و اجتمـاعی مـردم حـادث می گردد و تاکید برین نکته که ایمان ایقان ذهانت و شعور مـی افرینـد و دست مرموز پشت پردۀ صحنه های سیاسی و مـروج روز را واضـحاً بـرملا می نماید. یقیناً خوانندۀ گرامی نیز پس از مطالعه با ما همنـوا خواهنـد شـد که اگر نداهای تنبیهی ده ها سال قبل ازین روح جلیـل، دراک اندیشـمند

به گوش جان و ایمان شینده و نیوشیده میشـد. بـی شـک مـی توانسـت از بروز فجایع و مظالم کثیرۀ گذشته جلوگیر گردد امیدواریم تا هنوز کـه دیـر نشده بر دلهای مسئولین دینی اهل بصیرت اثر پذیر گردد و فرداهای روشن و با سعادت را به یاری خدا (ج) بنیاد گذارند. و من الله توفیق

(اداره)

اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللّهُ

ترجمه: ثنا و صفت مر خدای را که هدایت کرد ما را و اگر حضرت او جلت عظمته رهنمونی نمی فرمود، ما نبودیم که راه یابیم. (اعراف/۴۳)

به عبارهٔ دیگر: اگر او جلت عظمته ما را به شاهراه مستقیم راه نمائی نمی کرد ما نبودیم که راه یاب می شدیم.

مقام و وظیفهٔ علما و مشایخ

این یک حقیقت انکار ناپذیر است که علما و مشایخ و غیره روشنفکران مؤمن به نوبت خویش جای نشین مقام نبوت بوده و میباشند. بنابر بزرگی این مقام و وظیفهٔ سنگین خود مامور اند که مانند حضرات انبیاء کرام خصوصاً حضرت محمد (ص) در اعلای حق و دفع بدعات و رهنمونی به معرفت ذات او جل شانه در ترویج شرایع و احکام بکوشند و چون صحابه کبار دقیقه را فرو گذاشت ندارند و در به جای آوردن این امر

خطیر البته مورد حمله اعدای ظاهری و باطنی دین قرار خواهند گرفت لازم است که به حکم آیه کریمه:

فَلاَ تَخْشَوُاْ النَّاسَ وَاخْشَوْنِ... (مایده / ٤٤)

از هیچ کس در هیچ جای بیم نکنند فقط به شیوع اوامر خدا جل جلاله و ترک نواهی او بدون از کوچکترین نظرداشت محضاً لله چون صحابه کبار و غیره مؤمنان صدر اول به ارادهٔ خلل ناپذیر و عزم متین صرف مساعی شباروزی نمایند. بی شک آن چنانکه ایشان با آن اقلیت محض و ضعف قدرت مالی و غیره وسایط پیشرفت، فاتح اکثر ممالک در شرق و غرب گردیدند ما نیز به توفیق خدای متعال و شفقات حضرت او جل شانه پیروزی چشمگیر را نصیب خواهیم شد.

نظری بر اصل علت پسمانی رهبران دینی

حق اینست بنابر واقعیت های چشم دید مان اعتراف کنیم که واقعاً واسطه بزرگ پسمانی مایان همانا در اعلای حق و پیشرفت دین به کارهای کوچک و کم زحمت بعضی از ما لنگر انداخته و انتها به درس چند نفر طالب العلم محدود النظر مبتدی و مسافر افتخار کرده و بروی این خدمت ناچیز دعوت عام که عبارت از رهنمائی عوام الناس بطور تبلیغ است در قلع و قمع بدعات مساعی نکرده بلکه به درس خوانی اطفال صغیر که در هر جا مردم از دیر زمانی به اهل علم اینقدر معتقد و مخلص اند که اولاد ذکور و اناث خویش را به حلقهٔ تعلیم و تعلم اگر به مسجد علما نخواهند

حتی به خانه های شان نیز می فرستند که جزء ازین استفادهٔ مناسب و مفید کدام فایده در ارتقای شریعت رسول (ص) نکردند.

چون سخن در بارهٔ درس و زیادت معلومات اطفال در امور دین آمد خوبست به این نکته نیز اشارت کنیم آیا علمای معاصر بدین حقیقت به خوبی میدانند که دشمنان سرسخت اسلام از دیر زمانی برای امحای دین فتوحات خویش را از راه مغز شروع کرده اند. بدین معنی که در حلقه های درسی یک سلسله مزخرفات ضد دینی و تبلیغات مخالف شریعت اسلامی را به اطفال تلقین داده و ایشان را پس از شانزده سال تحصیل آنقدر در ساحهٔ دین محدود و بی علاقه بار می آورند که به خواندن قرآن کریم دسترس ندارند با وجودیکه ما امیدوار بودیم تا اولاد مسلمان ما، پس از طی مدارج تحصیل دارای معلومات کافی بلکه به سویه خیلی عالی و کامل و به منطق مستدل در بارهٔ دین و مقدسات اسلام به شرح و بسط محیر العقول خواهند پرداخت. مصرع:

آنهم نشد میسر و سودای خام شد.

ای کاش که در قرآن و تفسیر و توضیح اساسات اسلام اگر دسترس نداشتند چه خوب میشد که بر دین و اهل آن تاخت و تاز نمی کردند که اکنون این عمل و نتیجه از آن به چشم سر در مرکز و ولایات دیده می شود به روی مشاهده این حرکات ضد دینی و حمله های ناجوانمردانه اقطاب مخالف اسلام، بر علما و مشایخ واجب است تا به هر صورتی که ممکن باشد بعد از وقت و یا غیره اوقات لازمه حلقه های درسی و تبلیغی را در بین مقتدیان و پیروان خود ترتیب دهند به هر صورتی که بتوانند به منطق

سلیم جلو این بدبختی ها و بی بند و باری ها را بگیرند و هنوز هم فرصت فراوانی به دسترس اهل دین از نگاه مصوبه سال **۱۳۴۳** ش. قانون اساسی که به هشت ماده پشتیبانی از دین در آن به عمل آمده موجود است و نیز آزادانه آذان و اقامت و اجتماعات در مساجد شده میتواند و فیصد نود و نه نفر مردم به دین و شریعت حقیقی اسلام علاقه مثبت و کامل دارند.

وای از آن ساعتی که در قانون اساسی کوچکترین تذکر از آن نباشد و به ورود در مساجد ممانعت شود و فیصد یک نفر به اسلام علاقه نداشته باشند در آن فرصت چه باید کرد باری دقت شود و از خواب خرگوشی خود را بیدار کرده، دست به اقدام موثر به روی سنجش کامل و اتحاد همه جانبه زده به فعالیت آغاز کنیم ورنه حسرت در حسرت نصیب ما در هر دو سرا خواهد شد.

پاداش علما و مشایخ در حال غفلت از دین چیست؟

به حسب ظاهر آن چنانکه در غفلت خدای نخواسته بمانیم و از مساعی در اعلای حق مضایقه آریم، و یا توجه خود را به استفاده هر چه بیشتر از جیب های مردم کلان کرده و ازینکه ایشان آنرا پر نکردند ما هم به ارشادات دینی و تعمیم احکام آسمانی ممانعت آریم.

بی شک طوریکه دیده می شود در ممالک چون بخارا و تاشکند، تاجکستان و اسپانیا و غیره بنیاد دین و اهل آن کشیده شد، به محقرترین و اشد ترین وسیله محو و نابود خواهیم گشت.

مصرع: من جرب المجرب حلت به الندامة

این درست فرصت خواهد بود که بر غافلین امور خشم خدای غالب و لعنت پیغمبر او(ص) مصداق می یابد چنانکه میفرماید:

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُواْ يَعْتَدُونَ كَانُواْ لاَ يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنكَرٍ فَعَلُوهُ... (مائده/۷۸-۷۹)

ترجمه: لعنت کرده شد کافران را از بنی اسراییل (که مورد آیت خاص و حکمش عام است) به زبان حضرت داود نبی و حضرت عیسی روح الله، این به سبب آنست که نافرمانی میکردند و ازحد می گذشتند (زیرا دربین قوم بودند و می دیدند که مردم ازشریعت باز میگردند) یکدیگر را منع نمی کردند از آن عمل زشت که مرتکب آن شدند (کسی آنها را منع نمی کردند).

و پیغمبر (ص) به اقتفای این آیه مبارکه حدیث شریف ذیل را ارشاد کرده است:

تظهر الفتن اوالبدع فليظهر العالم علمه فان لم يفعل لعنة الله عليه والملائكة والناس اجمعين ولا يقبل الله منه حرفا ولا عملا ... (مشکوة)

ترجمه: هنگامیکه ظاهر شد فتنه های آخرالزمان و یا غیره ابتلا های خداوند و یا به عبارهٔ ساده تر غلبه کرد قوای زود گذر مادی بر حقایق عالم باقی و صفائیت اسلامی و دینی، واجب و لازم است بر علماء که علم و دانش خود ها را مطابق اذهان و درک مردم سازند یعنی به آن طوریکه

باعث بر هدایت و ذوق معاصرین انگاشته شود علما و مشایخ به رهبری قوم بپردازند و اگر چنین نکردند پس غافلان این دو طبقه مستوجب لعنت خدا و ملائکه و غیره مؤمنین صالح بطور عموم واقع می گردند و اضافه کرد آنحضرت (ص) که از ایشان هیچ عمل قولی و یا فعلی که به هر اندازه نیکو و مستحسن بطور لازمی به جا آورده باشند به حضور حضرت خداوند جل جلاله مقبول نیست و همه رد است.

از خلاصه آیت مبارکه فوق و حدیث شریف پر واضح می گردد بر جماعه ای که خدای متعال و سه پیغمبر اولوالعزم و همه ملایک و کافه مردم لعنت و نفرین کنند حال شان چه و زندگی آنها به کدام صورت به شرافت سپری خواهد شد. ابدا نه و اصلاً ممکن ندارد.

آیا اگر به دیدهٔ عبرت بنگریم همین همه توهین و حقارت که به اهل دین و علما و مشایخ امروز مواجه است مبادی آن لعنت همه جانبه متذکره نیست؟ جواب مثبت است. و اگر ما خودها را بازی داده و گول می اندازیم این هم به نوع خود بدبختی دیگریست که به ورطه هلاکت افتاده و از همه چیز در همه جا محروم گردیدیم اما متاسفانه که به خود نیاورده و این مذلت را معکوساً به کلمه هنوز هم غنیمت است از تنبلی بسیار تحویل می دهیم، افسوس و صد افسوس. و آیا این همه لعنت و زجر چرا به یک بارگی بر علما و مشایخ نثار گردیده است؟ سوال بجاست جواب درست لازم دارد.

خوشبختانه در حاشیه مشکوة به پاسخ سوال مذکور چنین جواب داده است:

العلماء هداة امة و حراس امة و قلب امة و رؤسها فیصلا حهم تصلح الامة و بفسادهم تفسد الامة

یعنی علما، رهبران و محافظان و حتی به منزلت دل و سر و غیره اعضای رئیسه در امت اند اگر ایشان صالح و نیک گشتند همه مردم خوب و نیک گفتار و نیک رفتار می گردند و اگر آنها خود فاسد و خرابکار شدند همه قوم در هر جا بی بند و بار گشته از هیچ چیز و عمل باک نیاورند، نعوذ بالله من شرور انفسنا.

اکنون واضحست که صدر نشینان مقام نبوی معاصر در خانقاها و مدارس و یا کرسی نشینان (رهبری) و قضا را به چه غفلت و به چه نوع خوشگذرانی ها و آرام باشی گری ها متوجه بوده و به پیروی از نفس به چه انواع تزویر و حیله بعضاً بهره کشی ها یا استثمار مردمی را به میان آورده و حتی از راه های نامشروع و ناروا امرار زندگی با همه شرمندگی خود را می نمایند و این عمل را چرا کرده و یا می کنند. طوریکه از آنحضرت (ص) عبدالله ابن مسعود (ص) روایت کرده است:

که علما علم خود ها را تکیه گاه اهل جاه می سازند، یعنی توسط علم علمای سوء، مقتدران و جاه طلبان استفاده های ناجایز کرده و می کنند و اهل علم این حربه را برخلاف اساسات شرع چرا به دست ایشان میدهند زیرا امید می نمایند که شاید از قدرت و ثروت آنها استفاده ببرند.

که عین این صحنه ها را هم اکنون در دوایر رسمی و در حلقه های عالیجنابان بطور خصوصی و عمومی بدون کم و کاست می بینیم و نتیجه

آن اهانت علما و مشایخ امروزیست که به روشنی تمام بدون تردید و تشکیک می بینیم و در مکتوبات مذکور است:

که اگر عالم در مباح اسراف کند عوام در مکروه مبادرت ورزند و اگر علما و مشایخ مکروهات و بدعات را به دیدهٔ بی اعتنائی نگرند و پروا نیاورند عوام الناس در ایفا و تعمیل حرام باکی ننمایند و هکذا اگر ایشان در حرام کاری و حرامخواری واقع شوند عوام الناس رو به کفر آورده بی اعتنا گردند. نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سیأت اعمالنا.

او رحمان بابا په دی هکله د پشتو په خوږه ژبه دا مطلب ویلی دی:

له ړندو نه د لیدو پوشتنه نشی   له بینا نه تپوسونه د هر چا شی
د دوو سترگو وظیفه ده ډیره گرانه   څوک چی سترگی پټوی دا ئی گناه شی

در بارهٔ همچو ارباب صلاح ظاهری و فساق معنوی به نام برخی جاه نشینان شریعت و طریقت، عرفا و اولیاء کرام سلف به تأسی از آیات بینات و احادیث سرور کائنات (ص) که ما پاره از آن را بطور نمونه در بالا یاد آوری کردیم اشعار آبدار سروده و رهنمائی های پر ارزش نموده اند، تا شاید باعث انتباه شان گردیده از پیروی نفس در ضلالت نیفتند، که اینک چند نمونه از آن را بطور مختصر تذکر میدهیم:

چرا علم باعث فساد می گردد زیرا آن در تزئین قوای مادی، شهوت رانی و غیره فحاشی ها استفاده به عمل می آید که گفته اند:

علم چون بر تن زند ماری شود   علم اگر بر دل زند یاری شود
علم صورت پیشه آب و گل است   علم معنی رهبر جان و دل است

* * *

علم چندانکه بیشتر خوانی　　چون عمل درتو نیست نادانی
نه محــقق بود نه دانشمنـــد　　چارپائـی بر او کتــابی چند

* * *

ای دل ونفس بیاد رحمان نشدی　　و زکرده خود پشیمان نشدی
صوفی و فقیه و عالم و دانشمند　　زین جمله شدی ولی مسلمان نشدی
قیل و قال در کار نیاید هیچ روی　　در عمل میکوش ای بسیار گوی

رهبران دین در صحنه های فعالیت جانی و مالی چرا حصه کافی نمی گیرند

چون اساساً مساعی در امور دین به روی یک عقیده ثابت و عالی باطنی به نام ایمان برپاست، همچنانکه مادیون به محور ذوق شهوت رانی و غیره فحاشی زود گذر آنی می چرخند و مساعی خستگی ناپذیر در زمینه به صرف میرسانند، این چنین بر پیروان عشق و علاقه با خدا و دین لازمست تا علاوه از کوشش در تامین امرار زندگی و ترقی همه جانبه خاک و وطن، زیربنای همه مکارم اخلاقی و عقیدوی را نیز مطابق اساسات شرع انور، منسجم ساخته و درین باره به مساعی خویش سهل انگاری نکنند.

اما با وجود درک این همه پسمانی، تا هنوز اکثر رهبران دینی و غیره پیروان اسلام اگر به غفلت فرو رفته و در دفاع از دین و ترقی آن کوشش قابل ملاحظه را انجام نمی دهند، جای تأسف در تأسف است.

این رویه ثابت می کند که در حقیقت ذوق حصول مادیات بر عشق و علاقه با خالق کاینات غلبه یافته و این عمل رفته رفته ما را بر منهیات جری ساخته و در نتیجه ما را به ضعف قوای ایمانی منجر نموده است که در باره ایمان کامل و ضعیف و ایمان مؤمن و منافق، آیات بینات و احادیث سرور السادات علیه السلام و الصلوات به نام کتاب الایمان در اکثر صحاح سته باب های جداگانه دارد و ما از خوف طوالت به اینقدر اشارت کرده و بطور تیمن این یک دو حدیث و آیات را گواه می آوریم. الحدیث:

عن ابی هریره (رض) **قال النبی** (ص) **الایمان بضع و سبعون او بضع و ستون شعبة فافضلها قول لااله الاالله و ادنا اما طة الاذی عن الطریق...** (متفق علیه)

ترجمه: ایمان دارای هفتاد و چند جزء است که بهترین همه ذکر خدای متعال به لفظ لا اله الاالله... است و ادنایش دور کردن تکلیف از راه مسلمان مثل سنگ و یا غیره چتلی ها که عابرین را زحمت میدهد.

چون در اول مذکور است اجزای ایمان، بهترینش ذکر را تذکر داده اند دانی چرا؟

به این معنی است تا مؤمن ذکر خدای متعال را به همان اندازه گوید که او را در هر جا و هر وقت بر خویش حاضر و ناظر یابد و در چنین صورت برای معرفت یگانگی حضرت او به دیگران و جلوگیری اعمال نامشروع و غیره تبهکاری های اهل زمان بی شک به ایثار جان و مال مضایقه نیاورده و ادنا ترین بیم و هراس را هم از احدی در دل راه نداده مردانه و مستانه در ترویج دین و ممانعت از هر گونه روش و آئین مردم بی دین خواهد کرد.

همینکه ما امروز مصدر هیچگونه مساعی خصوصاً که به دادن مال یا جان تعلق مستقیم گیرد حاضر نشده و نمی شویم و یا در برابر اعلای حق از اقطاب مخالف و تهدید ایشان می ترسیم، در حقیقت همانا ایمان به مرتبهٔ ضعف رسیده و شک نیست که به شرف محو و نابودی باشد چنانکه خدای متعال فرمود:

الم أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

(عنکبوت /۱- ۲)

یعنی گمان می دارند مردم که به مجرد خواندن کلمة الاسلام و یا به جای آوردن بعضی عبادات جانی مانند نماز و یا چیزهای تزئینی و تشریفاتی مثل معاش صالح و یا ترجمه چند آیت و حدیث از عربی به زبان ملی بدون دیگر ابتلاً، به همین قدر کار مؤمن گردیده و دولت ایمان و قرب مقام باطن نصیب شان خواهد گردید نه هرگز، بلکه در جای دیگر می فرماید:

لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (ملک /۲)

ترجمه: شما را آزمایش می کنیم و امتحان می نماییم که تا کدامین کس از جماعه مؤمنین به بهترین و خوبترین کار های عملی و سخت ترین آن بر نفس مؤفق می گردند که در آیهٔ مبارکه مرتبه حسن عمل یعنی کار خوب را ارزش بسزائی نداده و اعمال خوبتر و بهتر را از بندگان خود حضرت او جل شانه خواستار گردیده است .

اشتباه دیگر ما فقط از آنجا منشأ می گیرد طوریکه در اول رسالهٔ هذا به استناد آیات بینات تذکر دادیم که مردم منسوب به رهبران دینی و پیروان

شریعت محمدی (ص) آسانترین امور محدود اسلام را به خوشی خود انتخاب کرده و در مشکلات و مساعی بلابدل و یا آن چنان اعمالی که مؤجز به اجر اضعاف مضاعف در آخرت و حاضرت می گردد ولی اندک مشکل و به نزد نفس ناپسند است همه را ترک داده و یا به دادن کدام چیزی کوچک ادای ذمت کل را از گردن خود ساقط دانستیم مانند کمک به دین و نصرت به اسلام را به دادن توته یا پرچۀ نان باسی و سرد و یا کدام قران و شانزده پولی به فقرأ، انجام یافته دانستیم.

و هکذا هنگام تبلیغ، فقرأ و غربا و ضعفا اگر اعمال نامشروع را مرتکب شوند بر آنها تاخت و تاز و انداختن توبره های تکفیر به گردن های شان پرداختیم، اما برعکس اقویا و اشرافیان در محل و یا ساحۀ نفوذ مقتدیان ما و یا غیره اماکن که هر چه خواستند از ممنوعات را خود کرده و به دیگران نیز تحمیل نموده اند، هیچ نگفته و نمی گوییم.

و هم آنانی را که در زمینه چیزی به کدام جای از ولایت یا مملکت گفته باشند تبلیغ او را فرض کفائی و ساقط کننده مسئولیت شخص خود به نزد خدا جل جلاله شمرده ایم، حالانکه اشتباه کلی و غلط محض است.

و به مرتبۀ چهارم با این همه بی اعتنائی در امور دین و خوف از اعدای دین بعضاً چنین دیده میشود که اگر عالمی کمی به صراحت لهجه فجایع را حساب کرده و بی پرده سخن رانی نموده است، همینکه در آن محضر او جالب توجه و مورد نظر مسلمانان قرار گرفت در حال کانون حسادت برخی منسوبین این مقام به جوش آمده به ضد و نقیض گفتار او بیانات

داده است تا باشد که به اصطلاح از مرتبهٔ شرافت او کاهیده و ضمناً استعداد عالی علمی و برتری اش از وی به نزد مردم روشن گردیده باشد، حاشا و کلا که اشتباه صریح و بدبختی نهایت بزرگست.

و گاهی چنین دیده می شود که در آن مجلس یکی از اشرافیان اگر حضور داشته و رشته سخن اندکی به طاق ابروی آن آقا خورده در حال یکی از مداحان به پشتیبانی از آن آقا به اهانت و تحقیر آن عالم مؤمن و بی ترس و بیم در آنجا پرداخته است.

و یا اگر او را بادار های وقت به محاکم به واسطه اینکه چرا حق گفته و چرا به حقایق و فجایع که از جانب اکثر زعما سیل آسا فرود آمده، اشارت کرده می سپارند، درست روشن است که به محبس های طویل المدت محکوم و یا از دار فانی به سرای باقی بالوسیله توسط این منسوبین قضا شتافته خواهند بود.

در چنین حالت و صورت چه باید کرد؟

ازینجا بر همه اهل اسلام خصوصاً علما و مشایخ و غیره رهبران دین و روشنفکران واجب است که بطور لازمی و متعدی و بقسم انفرادی و اجتماعی دست اندر کار و بار ترقی دین و پیشرفت اسلام و ممالک اسلامی گردند و هر واحد ما باید مطالب ذیل را به دقت مدنظر داشته باشند:

اول- در باره تعلیم و تعلم اولاد مربوطین خویش که والدین و غیره ولات و رؤسای فامیل و بالنوبه موی سفیدان قوم و اربابان و ملک ها یکی بعد دیگر رول مهم را به دوش داشته و دارند.

بر همه پدران و مادران آموختن علم و تهیه نمودن وسایط تعلیم فرض است چنانچه رسول (ص) فرموده:

طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة (رواه ابن ماجه)

و نیز آنحضرت (ص) فشرده انواع علم را بر دو قسم نموده که می فرمایند: **العلم علمان علم الادیان و علم الابدان**

چون مدارس دولتی و غیره نشریه های ملی و غیر ملی در راه علم ابدان که مراد از علم معاش و صحت جسم و تأمین زندگیست به حد لازم پیشرفت نظری حاصل کرده اند ازینرو بیش ازین مسئولیت ابوین در تحصیل این علم مرفوع است.

ولی اینکه اجانب در تعمیم علم معاش به استفاده از فرصت در مغز اکثر جوانان و به خصوص مسلمانان مطالب ضد دینی و مذهبی را گنجانیده و در نتیجه برای بهره کشی یا پخش کردن رویه استعمار جدید خویش زمینه را توسط ایشان برابر کرده اند.

درین باره پدران و مادران و غیره رؤسای فامیل و ولات امور مسئولیت شدید عندالله و عندالناس و عند التاریخ دارند با در نظر گرفتن مطالب فوق و کمی پروگرام اساسات دینی در مکاتب و مقید ماندن کتب فقه به زبان عربی و عدم وجود شرایع به زبان ملی با غیره مشکلات که درین باره همین الآن کماکان به پیش روی همه مسلمانان خصوصاً بطور لازمی برای پدرها و غیره رؤسای فامیل اهل اسلام موجود است.

ازینرو لازم است تا پدران و مادران و غیره روشنفکران خانواده های اسلامی اولاد خویش را مواظبت نمایند و وسایط

تحصیل و کثرت معلومات شان را در امور دین و حتی آن خلاهای که در باره دین به مغز اطفال موجود است به منطق و اسلوب مقتضیات امروزه و بطور معقول فراهم کرده و اولاد خویش را با بهترین اصول تدریس دین مجهز سازند.

و هکذا ملا امامان مساجد که با تأسف در اکثر شهرها خصوصاً در کابل همه و همه بنابر بی اعتنائی قوم تحویلداران مساجد، ملازمان دفاتر و عده متعلمین دارالعلوم تحت قباله آورده اند، ما درین باره بحث نداریم که امامت شان خوبست یا نه، ولی روح مطلب درینجاست که ایشان مصروفیت معین برای امرار زندگی دارند فقط به مساجد جای گزین شدن به مقصد مهمانخانه اقوام و اقارب خویش ساختن و در آن اسباب لهو و لعب

و حتی خلاف شرع مانند رادیو، قطعه بازیها و غیره منحیث العموم دیده می شود چون حجره مسجد هم ضم مسجد است حتی نظر به مقوله قریب هر شی که به حکم شی است حواشی مسجد باید از وجود ملاعبت و عبثیات مأمون و مصئون باشد با تأسف که از طرف عده کثیر منسوبین مقام امامت همه اشیأ متذکره با غیره بدبختی ها به داخل مسجد و اندرون حجره ملا امام به جای آورده می شود.

هرگاه پیشوایان قوم به این فرصت حساس ضعف دین، به چنین رویه ها عوض تدریس و تعمیم احکام شرع به منطق بس عالی و معقول مشغول باشند چطور میشاید این جامعه پیشرفت به اسلام یا دین کرده بتواند.

لذا بر همه ملا امامان و موی سفیدان و رؤسای فامیل اسلام در هر جا و هر وقت لازم است که به تدریس کتب دینی و ترجمه آن به زبان مادری

مردم کوشان بوده و دقیقه را در زمینه ضایع نگذارند ورنه عندالله و عند الرسول و به نزد همه چیزفهمان عالم اسلام شدیداً مسئول هستند، باید هر چه جدی تر به درک این پسمانی ها و حتی تقویه سرسام آوری نیروی اعداء پی ببرند و به جبیره و چاره آن همت عالی و صرف مساعی دامنه دار را در پیش گیرند.

دوم- چون زنها بدبختانه از برکت شمول در مساجد مطابق آداب و سنن اسلام به داخل ستر لازم و به جای معین در اکثر روایات اهل سنت ممنوع قرار گرفتند اینجاست که وظیفه شوهران و غیره رؤسای خانواده ها سنگینتر شده و در برابر خدا و رسول و جزای احتباس خانم ها و منع ایشان از استماع حلقه های تبلیغ دین باید شخصاً به هنگام آمدن در خانه، زنها و غیره اولاد صغیر و سایر مربوطین خویش را از قبیل خدمه و دیگر منسوبین فامیل را تحت تلقین و تعلیم احکام دین قرار دهند و اگر نتوانستند پس راه را برای فرا گرفتن ایشان به احکام دین و شریعت هموار سازند. و نیز نظر به آیه کریمه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (تحريم/٦)

ترجمه: ای مؤمنین حفاظت کنید نفس های خویش و مربوطین و منسوبین خود را از وقوع در آتش.

یعنی ایشان را بفهمانید تا در به جای آوردن احکام و حسن معاشرت با حقداران و اجتماع درست و صحیح مطابق اساسات شرع باشند. و در غیر ازین شدیداً عندالله مسئول و مأخوذ می باشید.

زیرا در آیه مبارکه کلمهٔ (قُوا) در نگهبانی کردن اهل بیت به صیغه حکم، به عبارهٔ دیگر بطور فرض مقرر شده و انکار از آن کفر و غفلت از وی گناه کبیره و اصرار بر گناه کبیره منجر به زوال ایمان گردد. و هکذا در جای دیگر در باره رهنمائی زنها و مسئولیت شان را به گردن مردها چنین تصریح کرده: **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء ...** (نساء / ٣٤)

ترجمه: مردها قایم شده گان وماموران اند بر زنها تا ایشان را قولاً وعملاً در ایفای اوامر وترک نواهی مؤظف و دانا گردانند.

ازینرو فقها گناه حُران عاقلان بالغان و غیره اناث فامیل را بطور لازمی و قصدی خوانده اند یعنی کم دانشی و بی دانشی ایشان و یا مرتکب شدن آنها به محارم و غیره ممنوعات و محدثات امور خصوصاً عصر حاضر از خود ایشان بازخواست می شود که چرا در حال بلوغ و عقل و داشتن ایمان به اساسات اسلام، کردند و این بازخواست را الزامی گویند.

و از شوهر و یا پدر و مادر و غیره رؤسای فامیل پرسند که شما آمر و حاکم بر ایشان بودید چرا آنها را به تطبیق احکام دین وادار نساختید. بنابر این دو آیه مبارکه فوق لازم است که همه پدرها و شوهرها، درک بازخواست روز جزا را کرده و در پی تفهیم دین در فامیل خویش کوشش بسزائی نموده ایشان را به هر نوع که دانند و توانند باز دارند ورنه به گناه عمل آنها شدیداً عندالله مسئول اند.

سوم- اصل مهم دیگر اتفاق و اتحاد همه جانبه مسلمانان و علمای کرام و مشایخ عظام حقیقی و مجازی عالم اسلام است که در پیشرفت دین و ترویج شرایع رول بسزائی دارد چنانچه خدای متعال می فرماید:

وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ ... (آل عمران/۱۰۳)

ترجمه: چنگ زنید به ریسمان هدایت یعنی قرآن و اساسات اسلام همه شما ای گروه مؤمنین، توضیح داشته که نفاق و اختلاف را در زمینه راه ندهید و آنحضرت (ص) فرموده: **الجماعه رحمة والفرقة عذاب** (مشکوة)

ترجمه: جماعت باعث نزول رحمت خدا و اختلاف و شقاق سبب نزول قهر خدا و تباهی آنها می گردد که ازین اصل دانسته و نا دانسته پیروی می کنند. و از دید معقول و تجربه هم ثابت است که در اتفاق چه پیشرفت و ترقی و کامیابی مضمر است. شعر:

لشکر موران هم از اتفاق شیر ژیان را بدرانند پوست

* * *

حسنت باتفاق ملاحت جهان گرفت آری به اتفاق جهان میتوان گرفت

وجود اتفاق به هر عصر و زمان تأثیر بسزائی داشته و دارد، خصوصاً به وقت ما که از هر طرف شیرازه دین پاشیده و اعدای دین از انواع وسایط گوناگون تخریب عالم اسلام به پیمانه وسیع مساعی خستگی ناپذیر را در پیش گرفته و نتیجه پیشرفت شان را درین باره به همه ممالک و نواحی خصوصاً مملکت عزیز ما افغانستان به چشم سر همگان در همه جا

خصوصاً به کانون رسمی معرفت در مکاتب و بالاتر از آن در دوایر می بینند.

و خلاصه هر کس میداند که این آقایان اشرافی و یا محترمان سر چوکی قسماً به پول ما تربیه و بعضاً به خون ما تشنه اند، علاوه ازین نان از ما خورند و نطفه ما هستند ولی دعای سر شرقی ها یا غربی ها را می کنند.

با مشاهدهٔ چنین حالت چطور میشاید که علما و مشایخ هر یک خلاف حکم خدا جل جلاله و به اصطلاح «هر کله برخیال» باشند و یا طوریکه در بالا پاره از رویه بعضی کوته نظران منسوب به این مقام علمی تذکر دادیم مستقیماً یا بطور غیر مستقیم به جان همدیگر افتاده و یکی دیگر خویش را تحقیر و توهین کرده و انتها پی بری خود را کرده و به اصطلاح تیشه را بر ریشه خویش زنند.

و یا در بعضی موارد توسط عوام الناس به صحنه جنگ و نقاضت کشیده شوند چنانچه در اکثر جای ها به خوبی صحنه های بسیاری ازین را دیده و مشاهده کرده ایم و این چنین اشخاص را نمی شاید که عالم یا رهبر گفت زیرا کسی که از دست مقتدی و شخص عامی فریب بخورد و در پی قلع و قمع جنس خویش افتد او را عالم گفتن غلط و حتی منسوب به این مقام داشتن اشتباه و اتهام واضح است.

این رساله مختصر را برای برادران دینی و ایمانی خویش ترتیب داده و سطور مجانی بغرض هر چه بیشتر متوجه شدن علما و مشایخ و رهبران و روشنفکران یاد آوری نمودیم خدا کند که از سخنان حقیقت و راست ما،

نفس پرستان و مغروران خیلی ها بد نبرده و به تأسی از تخریب اذهان پروپاگند مخالف را در نشر حقایق منتشره به مسلمانان ننمایند.

عزیزان محترم !

اگر راست نگوییم و معایب خود را خود ما و شما امروز به میان نه نهیم و چارۀ اساسی آنرا به دست خویش ننماییم، بی شک اعدای دین عنقریب دست یافته خدای نخواسته در تحت سیطره استعماری خویش آورده و این معایب ما را توسط رادیو و تلویزیون و اخبار نه تنها به گوش ما بلکه به همه دنیا خواهد گفت.و ما علینا الاالبلاغ

سال ۱۳٤۹ هـ ش .

کمترین زاویه از سیاست روز

حضرت الداعی الی الله
مولانا محمد عطاء الله صاحب فیضانی

تاریخ و محل نگارش: ۱۳۵٤محبس دهمزنگ کابل

اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

ترجمه: ثنا و صفت مر خدای را که هدایت کرد ما را و اگر حضرت او جلت عظمته رهنمونی نمی فرمود، ما نبودیم که راه یابیم. (اعراف/۴۳)

به عبارهٔ دیگر: اگر او جلت عظمته ما را به شاهراه مستقیم راه نمائی نمی کرد ما نبودیم که راه یاب می شدیم.

درس اول

از آنجا که دنباله روان لنین افتخار حزبی (٦٠) ساله را در اکثر مباحث و مجالس می نمایند واقعیتی است انکار ناپذیر.

ولی تشکیل حزب و انسجام دهی آن از پیغمبر ما (ص) سنت عملی بوده که قرآن کریم آنرا به نص صریح:

أُوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجادله/ ۲۲)

تذکر فرموده است.

ترجمه: آگاه باشید به تحقیق پیروان حزب خداوند جل جلاله رستگار هستند.

و عین عبارت را در چنین جای تذکر داده است که به این اساس و غیره آیات قرآن، اصول حزبی اسلام و تاکتیک های حزبی کمونیست ها و غربی ها را در رسالهٔ جداگانه روشن ساختیم که همه آن (میتود حزبی را) از اساسات سلیم قرآن و مسنون عملی رسول علیه السلام اعداء بدبختانه استنباط کرده اند.

باز گردیم در توضیح پارهٔ از اساسات حزبی کمونیست ها که در شرق و اکثر ممالک اکنون به دست اجرا به دیدهٔ جهانیان قرار دارد چنانکه میدانند بنای جنگ سرد مسکو و پیکن به هر شب و روز به چندین زبان شروع بوده که حقیقت درک آن امر نهایت ساده می نماید ولی خیلی ها عوام فریبانه بلکه مدرکانه است.

هر گاه دقت کنند طرفین روسیه و چنین (لینینستها و مائوستها) هر دو مدعی پیروی از اساسات کمونیزم عملی و علمی در ممالک خود ها اند با این همه ارتباط چرا ایشان در برابر یکدیگر به تلخ و تند گوئی ها و انتقاد های بجا و نابجا در بارهٔ ملت های خویش پرداخته در سر تا سر جهان تبلیغات را سر داده اند.

آری، در حقیقت راز عمدهٔ سیاسی شان اینست که فقط در جهان معاصر مسکو و پیکن تصمیم دارند که به روی زمین احدی را نگذارند مگر پیرو مفکوره کمونیزم سازند اما این ایده به نظر آنها به دو صورت جامهٔ عمل می پوشد یکی به شکل کمونیست اصیل که چین خود را پیرو آن میداند.

(دوم): اصول کمونیست ریزونیستی Reasoonest یا کمونیست معاصر و سازشکار که آن را به مسکو نسبت میدهند در هر دو صورت مطلوب طرفین به روش کمونیستی عالم و عالمیان را دعوت کردن و به حلقهٔ هریکی ازین دو مملکت که باشد در آوردن منظور است و بس.

و با این بدگوئی های ظاهری در حقیقت توصیف مسلک طرفین را بقسم ماهرانه به ذهن جهان و جهانیان رسانیده و این تبلیغ غیر مستقیم در واقعه جایگزینی پیشرفت اهداف شان به دیدهٔ زیر ورق خوانان سیاستمدار است.

و این چنین در پخش تیوری خود ها نه تنها از راه کمک های کلتوری و فرهنگی و تأسیس بعضی موسسات تهیه و توزیع وسایل اولیه زندگی ظاهراً کار می گیرند بلکه به این وسیله به فتوحات مغزی خویش ادامه داده و پروپاگند ها را در جوامع مورد نظر به نفع خود و ضرر اسلام پخش می نمایند. چنانکه اکنون آثار آنرا به روشنی تمام در همه حلقه های ادعا دار منوریت به خوبی تمام چیز فهمان می بینند چون اندکی روحیهٔ کمونیستی و الحاد به اسلوب لازمی در آن مملکت اوج گرفت در حال آن جمعیت را به دو و سه و بالاتر از آن شقوق منشعب سازند.

مثلاً در افغانستان اولین بنیان اساسی کمونیستی را در سال **۱۳۴۳** ش. سرگروپ های هفتگانه به روی یک محور گذاشتند بعداً برای جلب کردن همه گان حزب های به نام پرچم، خلق، شعله و صدای عوام و غیره و غیره را به میان آوردند که در حقیقت همهٔ شان یک جنس و از یک منبع

آب خورده و تقویه می شدند و می شوند. چنانچه در هسپانیه هم اکنون **١٤** حزب چپی به عین مطلب (مرام) فعالیت دارند.

اما برای جذب طبقات پسمانده که شاید به یکی از رؤسا یا جمعیت های کمونیستی خوش بین نباشد به گروه دیگر پیوند کنند و بدین وسیله هر حزب بطور آگاهانه به عبارت شیوای ظاهراً ذم نما قبیحگونه در واقع توصیف اصول مسلک حزب دیگر را می نمایند. و این از پخته ترین شطینت های قبول شده سیاست احزاب کمونیست در جهان است که اگر به دقت دیده شود همانا اساس بنیانی اختلاف مجازی چین با مسکو بوده و برای جذب کردن گروه ها به هر صورت که شود دست اندر کار و فعالیت اند.

اینست گوشه ای از حقایق و تجارب حزبی که کاخ نشینان مسکو ادعا دارند.

درس دوم

یکی دیگر از اساسات حزبی کمونیست ها برای از پا در آوردن قشر های مؤمنین و از بین بردن اساسات دین اینست، که کمونیست ها در جماعه مؤمنین سرگروپ های را در ارگان داخلی یا کمیته های مرکزی حزب جای گزین کرده و آنها به کمک پول و غیره شیادی ها به نام مسلمانان دو آتشه خود را وانمود ساخته و بدین وسیله جلب توجهٔ مؤمنین ساده وش و بی خبر را می نمایند. همینکه توانستند در جماعه و یا گروپ های مؤمنین جای به خویش باز کنند و به استقرار خود ها تماماً موفق گردیدند وظیفه این خرابکاران فقط به داخل نکات ذیل خلاصه می شود که مدرکان چیز فهم و مؤمنان عالی نظر (صاحب بصیرت) حقیقت آنرا به خوبی تمام هر گاه اندکی دقت کنند دریابند.

اولین وظیفهٔ شان اینست: که بدگوئی کمونیست ها را بطور بسیار ساده و احمقانه می نمایند که در عین حال جانب دیگر آن حسن فعالیت و شطارت کمونیستان را نشان میدهد مثلاً می گویند در روسیه یا چین به فلان اسلوب جمعیت های کمونیستی کار می کنند و برای اینکه مردم را گول زنند سپس گویند کافرها عجیب پر کار اند چه اداره و انسجام بزرگ علمی و عملی دارند و امثال این که مردمان ساده لوح گمان می برند این

مذمت کمونیست هاست ولی در حقیقت کمک و معاونت به معرفت ایشان باشد.

دوم- این اجیران فاسد کمونیست در جماعه های مؤمنین با یک جهان تعصب و تنگ نظری برخلاف قبول هرگونه اساسات اصیل دین می کوشند تا دنباله روان را به تاکتیک های محدود تماماً آمیخته با تعصب و تنگ نظری بار آورده و بدین وسیله اصول اجتماعی اسلام (جهان بینی وسیع و جهان شمول قرآن) را به دیدهٔ جوانان دیگر مطرود و منحوس جلوه دهند.

سوم- در بین جماعت مؤمنین کسانی که دارای استقلال مغز (آزادی رأی) و درک عالی اسلامی و انسانی باشند همینکه دانستند آنها به زودی میتواند وسعت نظر و ابتکارات علمی و عملی را در انسجام دهی حزب سر به راه کنند، به محض درک، او را از صف کشیده و به نحوی از آنحا مطرود و حتی بدنام می سازند. که در جامعهٔ مسلمانان وطن ما اکثر شخصیت های مؤمن را به این قسم از پا در آوردند.

چهارم - **این سرگروپ های کمونیستی ظاهراً پیش آهنگان مؤمنین وظیفه دارند تا جمعیت ها و شخصیت های اصیل خدا جو و وطن خواه را که متکی بر اساسات سلیم قرآن دست ناخورده اسلام اند و در ایفای اوامر آن می کوشند همواره مورد طعن و لعن قرار داده نگذارند تا مردم به ایشان پیوند نمایند زیرا نظر به ذوق ایمانی اجتماع همینکه روحیه اسلام از جائی به شکل واقعی ظهور عملی و علمی کند مردم به آن گرویده گشته دیگر مجال برای کمونیست ها و دست نشانده گان شان نمی ماند لذا آنها را**

از پا در می آورند چنانکه به مقابل مرحوم گهیځ و غیره شخصیت های شخیص سابقه دار مبارز مؤمن این عمل را همیشه در طول سالها کمونیستها به لباس اسلام انجام داده و به صدها نیرنگ ایشان را تخریب های طفلانه و بی شرمانه تماماً مخالف اساسات قرآن و دین کرده اند که از نگاه قرآن و احادیث رسول (ع) حرام مطلق بوده و عاملان این کرده ها روزگاری به پای میز محاکمه اسلامی به یاری خدای متعال کشیده خواهند شد.

پنجم - کمونیست ها از طریق مستقیم یا غیر مستقیم پول را از مسکو دریافت کرده و به این صورت به کام عده ای مسلمانان، این جیفه مردار را ریخته و ایشان را به این حیله بطور ناخود آگاه و بعضاً آگاهانه به زیر تأثیر خودها آورده و این سم مهیب را به خورد ایشان به نحوی از انحا بطور مرئی و نامرئی قرار می دهند در چنین صورت از همچو اشخاص چه انتظار باید داشت.

ششم - این سرگروپ ها و عناصر فعال شان در حزب علاوه بر اینکه می کوشند جوانان را خیلی ها تنگ نظر و متعصب بار آرند و تماماً خالی الذهن از شعور سیاسی نگه دارند اسلوب احمقانه دیگر را برای اغفال زدن و از کار انداختن شان به کار می برند و می گویند که ما و شما رضای خدا جل جلاله را می خواهیم نه اینکه به دست آوردن قدرت برای شیوع وحدت را. در حالیکه خود مقر اند و به خوبی تمام میدانند تا قدرت به دست نیاید اعلای حق ممکن ندارد.

هفتم - این گماشتگان اجیر کمونیست به لباس مسلمان وظیفه دارند تا در بین حزب مؤمنین، شخصیت های دست اول که

احتمال تبارز به نحوی از انحا در ایشان سراغ کنند آنها را نشانی کرده و عندالفرصت ترور نمایند و یا هنگام قدرت به باداران خود معرفی نموده چون حضرات مرحوم حبیب الرحمن ها، داکتر عمر و خواجه محفوظ و غیره را چارماری کرده نثار خودها سازند.

هشتم - این سر آهنگان روسی به لباس مسلمان، افراد حزب مؤمنین را چون حزب صالحین و صدیقین در بخارا با همه کیف و کان شناخته و شهرت مکملهٔ آنها را یادداشت گرفته و در زمان تصرف کامل کمونیست ها در مملکت، ایشان را با کلیه ذریات شان از تیغ بی رحم قصابی و آدم کشی خودها بنام دکتاتوری پرولتاریا، و انقلاب فرهنگی با همه مربوطین و متعلقین نابود سازند حتی اگر در اقوام شان نیروی ایمان را سراغ کنند به نام آنها را نشانی کرده عندالفرصت محو و به عدم می سپارند یا لااقل در امور سیاسی و اداری مملکت ابدا برای شان موقف نداده ازینرو اولاد و احفاد آنها را از تحصیلات عالی به روی آن سوابق که گفته شد به اقسام گوناگونش محروم کرده بیسواد یا کم سواد می گذارند.

اینست پارهٔ از تجارب حزب کمونیستی ای که ادعا داری سوابق اش را مسکو نشینان بیش از شصت سال دارند و اما در مملکت خود هر مسلمان منور و چیز فهم به روی دلایل مثبته که گفته آمد موجودیت و فعالیت ایشان را بعینه دیده و با شواهد انکار ناپذیر حرکات و کار و بار ایشان را در هر کجا که مورد مداقه نظر از نگاه واقعیت بینی قرار دهند، چون آفتاب روشن می یابند و میدانند.

حالا که چطور جوانان مؤمن خدا پرست و وطن خواه میتوانند خود را از شر این اجیران مسکو مسلمان نما نجات دهند کاریست عمده، فقط راه موفقیت سادهٔ آن اینست که بد خواهان اسلام، تفرقه اندازان، بد گویان مبارزین مؤمن و تعصب افزایان اهل ایمان را که (...) بعضاً عناصر ضد اسلامی بوده به هر وسیله که بتواند در نابودی و یا لااقل نشان دادن هویت اصلی چهره های قلابی شان به همه مؤمنین صاف دل بکوشند تا این اجیران مسلمان نما را هر چه زودتر به یاری خدا جل جلاله از پا در آورند.

و به نستعین و بلطفه نرجوا لفتح

محبس دهمزنگ کابل

سال ۱۳۵٤ هـ ش .